



مجلس شورای اسلامی ایران

موفقیت و شکست اطلاعاتی و تاکتیک‌های عنصر انسانی

تالیف | یحیی د. جوزف، رزمک درموت

ترجمه | حسین عربیان، احمد بن محمدی صنیع

سرشناسه	بار - جوزف، یوری Uri, Bar-Joseph
عنوان و پدیدآور	موفقیت و شکست اطلاعاتی با تاکید بر عنصر انسانی / تالیف یوری بار جوزف، رزمکدرموت؛ ترجمه حسین عربیان، احسان محمدی منیع.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۵۲ ص.
نوبت	مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛ ۸۹۱ سری امنیت؛ ۱۰۰.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۵۲-۹۲۳-۸
مجموعه فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: [2017] Intelligence success and failure : the human factor
موضوع	اطلاعات نظامی - تصمیم گیری - جنبه های روانشناسی.
موضوع	Military intelligence -- Decision making -- Psychological aspects
موضوع	غلبه گیری نظامی.
موضوع	Surprise (Military intelligence)
موضوع	جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵م - روسیه شوروی - اطلاعات نظامی .
موضوع	World War, 1939-1945 - Military intelligence -- Soviet Union
شناسه افزوده	مک مورت، ۱۹۶۰ - م.
شناسه افزوده	De mott, Ross, 1962
شناسه افزوده	عربیان حسین، محمدی منیع احسان، ۱۳۷۲ - مترجم.
شناسه افزوده	دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، مؤسسه چاپ و انتشارات
رده بندی کنگره	UB۲۵۰
رده بندی دیویی	۳۵۵/۳۴۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۶۰۵۱۹۳۳

کلیه حقوق ازم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس برای دانشگاه جامع امام حسین (ع) محفوظ است.

- عنوان: موفقیت و شکست اطلاعاتی با تاکید بر عنصر انسانی
- تألیف: یوری بار جوزف، رزمکدرموت
- ترجمه: حسین عربیان، احسان محمدی منیع
- صفحه آرای: منصور عادل پور
- ناظرین فنی چاپ: سید محمدباقر موسوی، محمدتقی امیراحمدی
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه
- نوبت چاپ: اول (اردیبهشت ۹۹)
- شمارگان: ۲۰۰ نسخه
- قیمت: ۵۳۰.۰۰۰ ریال
- نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، معاونت پژوهش و فناوری، مؤسسه چاپ و انتشارات، تلفن: ۷۴۱۸۸۲۶۰ دورنگار: ۷۴۱۸۸۲۷۴
- مرکز پخش: تهران، میدان فردوسی، فروشگاه و نمایشگاه مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تلفن: ۸۸۸۳۹۲۹۷
- ترنجستان امام حسین (ع)

بسم الله الرحمن الرحيم
«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...»

حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد و کسی که به او حکمت داده شود، حقا خیری فراوان داده شده است ...

(سوره مبارکه بقره - آیه ۲۶۹)

انقلاب کبیر اسلامی، نمونه بی‌بدیل تاریخی، از حرکت اجتماعی عظیمی است که با سرنگونی طاغوت و برپایی نظام عدل جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را در دل مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان برای تحقق آرمان‌های بلند دولت اسلام، جامعه اسلامی و در نهایت، تمدن بزرگ اسلامی پدید آورد. در این میان، نهادهای علمی به ویژه دانشگاه‌ها، باید نقش کلیدی سوزن‌بانی و هدایت قطار پیشرفت و رشد جامعه در مسیر صحیح انقلابی را ایفا کنند.

دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) به عنوان «دانشگاه سازمانی سپاه در تراز انقلاب اسلامی» با شعار «تزکیه، جهاد علمی، دانشگاه تمدن‌ساز»، در کنار مسئولیت مهم انسان‌سازی و تربیت سربازان عصر ظهور، وظیفه تولید مبانی و معارف پایدار، آثاری از انقلاب اسلامی را نیز برعهده دارد. در این راستا، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه به منظور تکمیل چرخه مدیریت دانش بومی با سه ویژگی «اسلامی بودن»، «روزآمدی» و «کارآمدی»، با هدف دستیابی به مرجعیت علمی، افتخار و تلاش دارد تا زمینه و بستر لازم را برای استادان و پژوهشگران محترم این عرصه فراهم آورد. امید است در سایه الطاف بیکران الهی و با گسترش فعالیت‌های انتشاراتی مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین، (علیه السلام) این رسالت خطیر تحقق یابد.

در پایان، بر روح ملکوتی معمار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و ان‌الله‌علیه و همچنین شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مدافعان حرم درود می‌فرستیم و با آرزوی سلامتی و توفیقات هرچه بیشتر مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، و نیز خدمتگزاران اسلام و کشور، از استادان، فرهیختگان و اهل نقد و نظر تقاضا داریم با ارائه نظرها و پیشنهادهای خود، ما را یاری فرمایند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان
 معاونت پژوهش و فناوری
 دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

بخش اول: چارچوب نظری

فصل اول: حمله غافلگیرانه: چارچوبی برای بحث

الف. مفهوم و زمینه [بحث]

ب. حملات غافلگیرانه: موفقیت و شکست

ج. حملات غافلگیرانه: مطالعات تطبیقی دانشگاهی

د. برل هاب: ماجرای منحصر به فرد و مفاهیم روش شناختی

ه. شکست‌ها در هشدارده: تاکید بر عنصر انسانی

فصل دوم: بررسی فرایند درس آموزش

الف. عوامل روانشناختی

۱. عوامل روانشناختی و فرایند درس آموزش

۲. عوامل روانشناختی اجتماعی: مشارک‌های اجتماعی

ب. مسائل منحصر به فرد روان شناختی

۱. مدل شخصیت: آزاداندیشی

۲. خودشیفتگی

ج. اعمال فرآیند درس آموزی به منظور بررسی ریشه‌های شکست‌ها و موفقیت‌ها

بخش دوم: شواهد تجربی

فصل سوم: عملیات بارباروسا و نبرد مسکو

مقدمه

مطالعه موردی اول: شکست

الف. هیتلر به جنگ می‌رود

ب. غافلگیری شوروی

۱. منابع اطلاعاتی [جاسوسان] شوروی

۲. اطلاعات

۳. برآورد اطلاعاتی و فرآیند تصمیم گیری

۱۱۷	ج. توضیحی برای نبود آمادگی
۱۱۷	۱. سطح دولتی
۱۲۱	۲. تصمیم‌گیری
۱۲۲	۳. سطح فردی
۱۳۱	مطالعه موردی دوم: موفقیت: نبرد مسکو
۱۳۲	الف. زمینه
۱۳۳	۱. قرار گرفتن در دو راهی
۱۳۵	۲. اطلاعات
۱۴۰	۳. تصمیم‌گیری و اثرات آن
۱۴۶	ب. توضیحات
۱۴۶	۱. مسئله نبرد تهر
۱۴۶	۲. کیفیت داده‌های اطلاعاتی
۱۴۷	۳. تصمیم‌گیری
۱۵۱	۴. فرآیند درس آموزی استالین
۱۷۹	فصل چهارم: ایالات متحده آمریکا در جنگ تازه
۱۸۰	مقدمه
۱۸۱	مطالعه موردی اول: ناکامی در پیش‌بینی جنگ
۱۸۲	الف. مسیر جنگ
۱۸۶	ب. غافلگیری آمریکایی‌ها
۱۸۶	۱. سرمایه‌های (منابع) اطلاعاتی آمریکایی‌ها
۱۸۹	۲. داده‌های اطلاعاتی و ارزیابی آن‌ها
۱۹۴	ج. تشریح عدم آمادگی
۱۹۵	۱. سطح دولتی
۲۰۲	۱. تصمیم‌گیری
۲۰۳	۱. سطح فردی
۲۰۳	د. خلاصه
۲۰۴	مطالعه موردی دوم: دومین شکست: مداخله چین در پاییز ۱۹۵۰
۲۰۶	الف. مسیر چین به سمت جنگ
۲۰۸	ب. غافل‌گیری آمریکایی‌ها

۲۰۸	۱. داده‌های اطلاعاتی و ارزیابی آن‌ها
۲۱۴	۲. فرآیند تصمیم‌گیری: واشنگتن، توکیو، کره
۲۲۰	ج. تشریح شکست اطلاعاتی
۲۲۳	۱. سطح دولتی
۲۲۶	۲. تصمیم‌گیری
۲۳۵	۳. سطح فردی
۲۶۹	فصل پنجم: شکست ۱ و موفقیت‌های اطلاعاتی در جنگ یوم الکیپور
۲۷۰	مقدمه
۲۷۵	مطالعه موردی اول: شکست
۲۷۵	الف. مسیر مصر به سمت شکست
۲۷۸	ب. غافلگیری رژیم صهیونیستی
۲۷۸	۱. سرمایه‌های (منابع) اطلاعاتی رژیم صهیونیستی
۲۸۱	۲. داده‌های اطلاعاتی و ارزیابی آن‌ها
۲۹۰	ج. تشریح شکست
۲۹۰	۱. سطح دولتی
۲۹۳	۲. تصمیم‌گیری
۲۹۸	۳. سطح شخصیتی
۳۰۷	مطالعه موردی: موفقیت
۳۰۷	الف. زمینه
۳۱۴	ب. هشدار اطلاعاتی ۱۲ اکتبر و پیامدهای آن
۳۱۶	ج. توضیح موفقیت
۳۱۷	۱. سطح دولتی
۳۲۱	۲. جلسات تصمیم‌گیری
۳۲۳	۳. سطح فردی
۳۲۳	الف. الی زئیرا
۳۲۵	ب. زیوی زمیر
۳۳۹	نتیجه‌گیری

اگرچه غافلگیری دشمن، هدفی است به قدمت منازعات انسانی، باین حال مطالعه نظام‌مند نظریه غافلگیری استراتژیک به دوران جنگ سرد برمی‌گردد. در این دوران تجربه حاصل از جنگ جهانی دوم به همراه ترس غربی‌ها از حملات غافلگیرانه شوروی، ادبیاتی را گسترش داد که تمرکز اصلی آن توضیح عدم موفقیت‌ها در حوزه هشدار دهی بود. کار پیشگام روبرتا ولستتر^۱ در مورد حمله پرل هاربر^۲ (۳) راه را برای مطالعات متعدد در این حوزه هموار کرد. در برخی از این مطالعات تمرکز اصلی بر روی مطالعه موردی (۴) بود. درحالی‌که برخی دیگر به سبب ورود به موارد مطالعاتی متعدد (۵)، ماهیت تطبیقی بیشتری داشت. در کل هدف همه آن‌ها ارائه پاسخ به این سوال بود که چرا دولت‌ها اغلب در مواجهه با چالش حملات غافلگیرانه شکست می‌خورند.

اساساً مجموعه کارهای صورت گرفته در ۶۰ سال گذشته، در مواجهه با تهدیدات قریب‌الوقوع، کمبود اطلاعات را خیلی به‌عمد موفقیت در هشدار دهی نمی‌دانند (۶). بلکه به‌جای آن توضیحات فراوانی برای عدم موفقیت در انتقال اطلاعات موجود و قابل‌دسترس ارائه می‌کنند. برخی از این مطالعات، مانند احتفا غریب، حیطه‌بندی علوم نظامی یا همچون مثال چوپان دروغ‌گو^۷ بیشتر منحصر به فعل و انفعالات بین‌المللی و حملات غافلگیرانه و قربانی آن است. برخی دیگر بر اساس مطالعات نظری‌ای که در رشته‌های گوناگون صورت گرفته، عمدتاً بر روی موانع پردازش اطلاعات کار می‌کنند. این مطالعات معمولاً به سطح تجزیه و تحلیل فرد (۸)، گروه کوچک (۹) و سازمان (۱۰) تقسیم می‌شوند. در عین اینکه اکثر مطالعات، شکست در هشدار دهی را محصول اقدامات غیرعمدی و ناخواسته در نظر می‌گیرند؛ باین حال مطالعات اخیر نشان می‌دهد تعصبات انگیزشی در میان برخی افراد کلیدی حاضر در فرایند پاسخ به هشدار^{۱۱} می‌تواند نقش مهمی در سقوط ناگهانی یک حکومت داشته باشد (۱۲).

بیشتر بحث این کتاب در مورد حملات غافلگیرانه است که آن را در سه بخش مجزا

می‌کنیم:

1. Roberta Wohlstetter
2. Pearl Harbor
3. the "cry- wolf" syndrome
4. warning- response

بخش اول: هرچند عمده توجهات، معطوف به عدم موفقیت‌ها در هشدار دهی است، اما تاکنون توجه چندانی به موارد موفقیت صورت نگرفته است؛ موفقیت در هشدار دهی به مواردی اشاره دارد که قربانی به‌درستی اهداف دشمن را شناسایی و بر اساس آن اقدام به جلوگیری از غافلگیری استراتژیک کرده باشد. از آنجاکه ما ادعا می‌کنیم که چنین موفقیت‌هایی خود ناشی از تجربه شکست است؛ سه جفت مطالعات موردی را باهم مقایسه می‌کنیم که در هر سه جفت مورد اول شکست است و مورد دوم می‌تواند یکی از دو مورد موفقیت یا باز شکست دیگر باشد.

این سه جفت مطالعه شامل:

۱- عدایات بریتانیا^۱، یا همان حمله آلمان به اتحاد جماهیر شوروی در ژوئن ۱۹۴۱ (شکست)؛ چهار ماه پس از آن، نبرد برای مسکو که تخمین دقیقی از اهداف [دشمن] را در برداشت (موفقیت).

۲- حمله کره شمالی به کره جنوبی در ماه ژوئن ۱۹۵۰ (شکست)؛ پنج ماه پس از آن، مداخله چین در جنگ (شکست)؛

۳- حمله اعراب به رژیم صهیونیستی در یوم کپور^۲ در سال ۱۹۷۳ (شکست)؛ شش روز پس از آن، دومین تهاجم مصر در جنگ (موفقیت). این متغیر مداخله‌گری که موفقیت یا شکست را در قسم دوم هر یک از سه جفت مطالعات توضیح می‌دهد، درواقع همان چگونگی فرآیند درس آموزی قربانی به دنبال شکست اول است.

بخش دوم: بخش دوم به نقش افراد کلیدی در بروز شکست، بزرگ در هشدار دهی می‌پردازد. این در حالی است که مطالعات پیشین بیشتر تعصبات شناختی عمومی‌تری را مورد بحث قرار می‌دادند و به‌ندرت بین پاتولوژی عمومی و روانشناسی افراد کلیدی ارتباطی برقرار می‌ساختند. همان‌طور که در تحقیق ما نشان داده‌شده است، هر چه موارد منجر به شکست با دقت بیش‌تری بررسی می‌شود به این نتیجه می‌رسیم، افرادی که در مواجهه با اطلاعات یکسان از یک تهدید در حال ظهور قرار گرفته بودند، تهدید متفاوتی را تخمین زدند. درواقع، بر اساس اطلاعاتی که در سال‌های اخیر در مورد شکست‌های کلاسیک

1 Operation Barbarossa

2 Yom Kippur

مانند بارباروسا و یوم کیپور در دسترس بوده است، می‌توانیم رفتار افراد را با توجه به دقت برآوردهایی که قبل از حمله انجام داده‌اند، به دقت ترسیم کنیم. چنین برآوردهایی می‌توانند، ارزیابی جنبه‌های مختلف یک وضعیت، از تعداد نیروهای نظامی و تسلیحات دشمن گرفته تا احتمال ذهنی تهدید و خطر پذیری را در برگیرند. با توجه به این‌که چنین افرادی نقش مهمی در هر یک از موارد مطالعاتی ما ایفا کرده‌اند، بر آن هستیم که در عین شناسایی آن‌ها، به توضیح ماهیت شکست‌های آن‌ها نیز بپردازیم. در این کتاب از اسناد فراوانی درباره شخصیت چنین افرادی به‌عنوان تجزیه و تحلیل شیوه تفکرشان استفاده می‌کنیم و بر این اساس توضیح می‌دهیم که چرا آن‌ها در دام برخی از تعصبات روان‌شناختی می‌افتند. اگرچه که برخی از این تعصبات ممکن است «هینا»^۱ حتی و غیرمنتظره باشند، اما اغلب مسائل در نتیجه بیماری‌های روانی قابل فهم در بخشی از تسمیه‌گیرندگان مهم به وجود می‌آیند. به‌ویژه مشخص گردید، درجه بالایی از خودشیفتگی که خصوصاً ویژگی مشترک بسیاری از رهبران است؛ خود سدی عظیم و مسئله‌ساز در درس آموزی موفق از اطلاعات یا تجارب است. این ویژگی در رهبرانی مانند مک آرتور^۲ برجسته می‌شود. به‌ویژه زمانی که اطرافشان را افرادی متملق و چاپلوس در بر گرفته باشند.

بخش سوم: سوم اینکه بیشتر مطالعات انجام‌شد^۳ در مورد حملات غافلگیرانه بر تجارب آمریکایی‌ها تمرکز دارند که عمدتاً پیرامون حملات پرنده در روز ۷ سپتامبر می‌چرخد. فرض ما بر این است که برای ایجاد یک نظریه جامع در حوزه شکست در هشدار دهی، نیاز است مطالعات دقیقی از سایر تجارب نیز صورت گیرد. این مطالعه نتایج را ارائه می‌دهد که ثابت می‌کند درس آموزی حاصل از تجارب در رسیدن به موفقیت در شکست نقش حیاتی دارد و اینکه بیماری‌های روان‌شناختی خاص می‌تواند توانایی تصمیم‌گیران را برای موفقیت در انجام این کار کاهش دهد. ذکر این نکته نیز ضروری است که ما ادعا نداریم نتیجه‌گیری این کتاب از ماهیتی جهانی برخوردار است. بدیهی است، کارهای دیگر می‌توانند شرایطی را کنند که فرضیه‌های ما مؤثر و علمی به نظر آیند و به همان میزان نیز کمک کنند محدودیت‌های خاص آن مشخص گردد. ادعاهای فراتر از تعاریف عمومی باید در انتظار

1 psychopathologies

2 narcissism

3 MacArthur

مطالعات تطبیقی دیگری از موارد مهم موجود در این زمینه بمانند. این مطالعات در درجه اول اشاره به مواردی دارد که ما در مقدمه ذکر کردیم. با این حال در این کتاب ثابت می‌کنیم که نتیجه‌گیری‌های ما برای شش موردی که در این کتاب ارائه می‌دهیم معتبر است. لذا این مطالعه تحقیقی قابل اعتماد و مهم را بر اساس شواهد تجربی دقیق، گسترده و اغلب تازه کشف شده ارائه می‌دهد.

چنین تحقیقی می‌تواند به ایجاد فرضیه‌های بیشتر در مورد غافلگیری استراتژیک و ساختارهای فردی و سازمانی کمک کرده و راهنمایی باشد برافزایش موفقیت‌ها و کاهش شکست‌های اطلاعاتی. با توجه به مفاد و اهمیت تاریخی پرونده‌هایی که مورد بررسی قرار می‌دهیم، معتقدیم که این میزان شواهد تجربی که بررسی می‌کنیم و اندازه پیشرفت‌های تاریخی و نظری که ما ایجاد می‌کنیم، همبستگی معناداری وجود دارد.

بخش اول کتاب به خارج از چارچوب نظری اختصاص دارد. در این بخش به مطالعه حملات غافلگیرانه می‌پردازیم و آنچه در نظر ما نقطه ضعف اصلی این حملات بوده را برجسته می‌کنیم. به طور مشخص، ما ماقدونیس، حادثه پرل هاربر از این لحاظ که علت اصلی شکست در آن را نبود اطلاعات کافی در مورد حملات ژاپن قرار می‌دهند یک مورد استثنایی است. بر این اساس، توجه به این عامل [نبود اطلاعات کافی از مطالعه شکست در هشدار دهی] موجب تعصب روش‌شناختی شده است.^(۱) لذا پیشنهاد می‌شود به جای توضیحات کلاسیک ولستر که بر اهمیت بیشتر سیگنال‌ها نسبت به پارازیت‌ها تأکید دارد و مکرر در پی حملات یازده سپتامبر تکرار شده است؛ به موانع خاص که برابر پردازش اطلاعات با دقت بالا در میان افرادی که در فرایند پاسخ به هشدار تأثیرگذار دارند پرداخته شود. با توجه به اینکه میزان پیشرفت ما در دستیابی به رویکردی جدید بستگی به تغییر مداخله ما در توضیح موفقیت و شکست دارد؛ بر این اساس فصل دوم کتاب، به توضیح جزئیات عوامل اصلی روان‌شناختی و نقش آن در تعیین فرایند پاسخ به هشدار پرداخته و آن‌ها را به مطالعه حملات ناگهانی پیوند می‌دهد.

قسمت دوم کتاب، شواهد تجربی را با استفاده از روش تجزیه و تحلیل متمرکز ساختاری ارائه می‌کند. اولین جفت مطالعه ما شامل غافلگیری شوروی در ژوئن ۱۹۴۱ است که در

برابر آن نبرد برای مسکو^۱ در اکتبر و دسامبر ۱۹۴۱ قرار دارد که در آن استالین استفاده مؤثر و بهینه‌ای از اطلاعات می‌کند. دومین جفت مطالعه ما بر دوشکست متوالی آمریکا متمرکز است، اولی غافلگیری ژوئن ۱۹۵۰ در حمله کره شمالی به کره جنوبی است و دومی عدم هشدار دهی به مداخله گسترده چینی‌ها در جنگ اول در اکتبر سال ۱۹۵۰ است که حتی بعدازآن با شدت بیشتری در اواخر ماه نوامبر رخ داد. سومین جفت مطالعه ما شامل شکست هشدار دهی رژیم صهیونیستی در آغاز جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به‌عنوان مطالعه اول و مطالعه دوم شامل فرآیند درس آموزی مؤثر^۲ با استفاده از پاره‌ای اطلاعات مهم و حیاتی است که بعد از شش روز منجر به تغییر استراتژیک در جریان نیمه دوم جنگ شد. هر یک از شش مورد مطالعه، با تجزیه تحلیل تصمیمات آغازگران جنگ در آغاز اولین حمله یا در آغاز دومین حمله شروع می‌شود. سپس به سراغ قربانی حمله برگشته و منابع مهم و در دسترس اطلاعاتی را برای پاسخ به چالش غافلگیری بررسی می‌کنیم. این منابع داده‌های به‌دست‌آمده از وضعیت در آستانه حمله، اطلاعات و فرایندهای تصمیم‌گیری است که توسط داده‌های اطلاعاتی و نتایج حاصل از آن‌ها ایجاد شده است. این بخش توضیحاتی برای نتایج حاصل از سه سطح دولت، تصمیم‌گیری و شخصی را بیان می‌کند.

در فصل آخر، یافته‌های اصلی را خلاصه و برخی از دستورالعمل‌های سیاسی را پیشنهاد می‌کنیم. در نهایت عناصر یک برنامه تحقیقاتی گسترده‌تر در مورد مطالعه حملات غافلگیرانه و شکست و موفقیت‌ها در هشدار دهی را پیشنهاد می‌کنیم.